

Research Article

The Mediating Role of Interpersonal needs, Parent- Adolescent Conflict in the Relationship Between Parenting Styles, Basic Needs with Non-Suicidal Self-Injury, Suicidal Ideation

A. Valinezhad¹, M. Nemattavousi^{2*}, H. Rezaabakhsh³, A. kraskian Mujemrari⁴ & N. Hovassi Soomer⁴

1. PhD Student in Psychology, Department of Psychology, karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: M_nemattavousi@azad.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Abstract

Aim: This research was carried out with the purpose of investigating The Mediating Role of Interpersonal needs and Parent-Adolescent Conflict in the Relationship Between Parenting Styles and Basic Psychological Needs with Non-Suicidal Self-Injury and Suicidal Ideation. **Method:** Research statistical population were the 224,400 male and female high school students in Tehran in year 1398-1399. Among them 420 students were selected via sampling cluster random method. The research instruments consisted of: Beck scale for suicide ideation (Beck, Kovacs & Weissman, 1979), Self-harm inventory (Sansone, Wiederman & Sansone, 1998), Basic needs satisfaction in general scale (Gagne, 2003), Parents as social context questionnaire (Skinner, Snyder & jonson, 2005), Conflict behavior questionnaire (Robin & Foster, 1989) and Interpersonal needs questionnaire (Van orden, Cukrowicz, Witte & joiner, 2012), **Result:** Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equations. The results of structural equations showed that parenting styles and basic psychological needs have a significant indirect effect on non-suicidal self-injury and suicidal ideation through thwarted belongingness, perceived burdensomeness and parent-adolescent conflict. **Conclusion:** Based on the research results, it can be found that the reduction of thwarted belongingness, perceived burdensomeness and parent-adolescent conflict in adolescents can play an effective role in reducing non-suicidal self-injury and suicidal ideation.

Key words: *Suicidal Ideation, Non-Suicidal Self-Injury, High School Students in Tehran and Structural Model*

Citation: Valinezhad, A., Nemattavousi, M., Rezaabakhsh, H., kraskian Mujemrari, A., & Hovassi Soomer, N. (2021). The Mediating Role of Interpersonal needs, Parent- Adolescent Conflict in the Relationship Between Parenting Styles, Basic Needs with Non-Suicidal Self-Injury, Suicidal Ideation. *Quarterly of Applied Psychology, 15(3):537-564.*

نقش واسطه‌ای نیازهای بین فردی، تعارض والد - نوجوان در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا، ایده‌پردازی خودکشی

آرزو والی‌نژاد^۱، محترم نعمت‌طاوسی^{۲*}، حسین رضابخش^۳، آدیس کراسکیان موجمناری^۴

و ناهید هواسی‌سومار^۴

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: M_nemattavousi@azad.ac.ir
۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ادراک باری بودن، تعلق‌پذیری خنثی و تعارض والد-نوجوان در رابطه بین سبک‌های والدگری و نیازهای روان‌شناختی بنیادین با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی به مرحله اجرا درآمد. **روش:** جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر تشکیل دادند، که از میان آن‌ها ۴۲۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک (بک، کواس و ویزمن، ۱۹۷۹)، سیاهه آسیب به خود (سانسون، ویدرمن و سانسون، ۱۹۹۸)، پرسشنامه بافت اجتماعی والدین (سبک‌های والدگری) (اسکینز، اسنایدنر و جانسون، ۲۰۰۵)، مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (گنیه، ۲۰۰۳)، پرسشنامه نیازهای بین فردی (ون‌آردن، کوکرویکز و وایت و جویئر، ۲۰۱۲) و پرسشنامه رفتار متعارض (رابین و فاستر، ۱۹۸۹) بود. **یافته‌ها:** داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری تحلیل شد. نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان داد، سبک‌های والدگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با واسطه تعلق‌پذیری خنثی، ادراک باری بودن و تعارض والد-نوجوان بر جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی اثر غیرمستقیم معنادار دارند. **نتیجه‌گیری:** براساس نتایج پژوهش می‌توان دریافت که کاهش تعلق‌پذیری خنثی، ادراک باری بودن و تعارض والد-نوجوان در نوجوانان می‌تواند نقش موثری در کاهش جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی داشته باشد.

کلید واژه‌ها: ایده‌پردازی خودکشی، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر

تهران و مدل ساختاری

استناد به این مقاله: آرزو، نعمت‌طاوسی، محترم، رضابخش، حسین، کراسکیان موجمناری، آدیس، و هواسی‌سومار، ناهید. (۱۴۰۰). سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا، ایده‌پردازی خودکشی فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۵ (۳ پیاپی ۵۹): ۵۶۴-۵۳۷

مقدمه

نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین دوران تحولی است (ما، هان، باترهام، کالیر، ۲۰۱۶). به طوری که در طی این دوره به واسطه تغییرات سریع جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی (آرمسترانگ و کوستلو، ۲۰۰۲؛ کراسبی، سانتلی و دی‌کلمنت، ۲۰۰۹) افکار و رفتارهای جرح خویشتن‌آز جمله ایده‌پردازی خودکشی^۱ و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا^۲ به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد (داهل، آلن، ویلبرشت و سلیمان، ۲۰۱۸؛ نلسون، بیرنه، شیبور و آلن، ۲۰۱۷؛ ناک، بورگس و انو، ۲۰۱۲؛ ناک و همکاران، ۲۰۰۸). تقریباً ۲۳ درصد از نوجوانان دبیرستانی ایده‌پردازی خودکشی (اوری و همکاران، ۲۰۲۰) و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را تایید کردند (بران و پلنر، ۲۰۱۷؛ مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها، ۲۰۱۹). به همین دلیل سازمان بهداشت جهانی^۳ ایده‌پردازی خودکشی و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را به عنوان یکی از نگرانی‌های سلامت روانی و اجتماعی بسیار مهم در نظر گرفته است (رودریگز، کالدرا و رنبرگ، ۲۰۰۶؛ لیو، تاین، ژاو و ساندلر، ۲۰۰۵؛ نقل از کیانی، فاتحی‌زاده و قاسمی، ۱۳۹۲).

والدین و نیازهای روان‌شناختی بنیادین^۴ عنوان‌های مهم در زمینه تعارض والد-نوجوان^۵ (رابین و فاستر، ۱۹۸۹؛ سرخابی و میداق، ۲۰۱۴؛ سمتانا، ۱۹۹۵؛ مک‌کینی و رنک، ۲۰۱۱)، تعلق‌پذیری خنثی^۶ (رابیان و جرمی، ۲۰۱۳؛ لیکس و کملمایر، ۲۰۱۴؛ هالینگسورث، ۲۰۱۴) و ادراک باری بودن^۷ (اپرمن، کسبز، گیسون و کینگ، ۲۰۱۵؛ رایان و جرمی، ۲۰۱۳؛ ون‌آردن، لینام، هولار، جوینر، ۲۰۰۶) شناخته شده‌اند.

برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی بنیادین از طریق سبک‌های والدگری^۸ مناسب باعث می‌شود، نوجوانان در خانواده استقلال‌عمل^۹، احساس شایستگی^{۱۰} و ارتباط^{۱۱} مصمیمانه کنند (دسی، والراند، پلیتیر و رایان، ۱۹۹۱)، نیاز به استقلال‌عمل به ضرورت تجربه احساس اراده، شایستگی به تجربه اثربخشی و مرتبط بودن به تجربه گرمی و مراقبت متقابل اشاره دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۵) وقتی افراد خودشان را در محیط‌هایی می‌یابند که به برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی آن‌ها کمک می‌کند و آن‌ها را پرورش می‌دهد، هیجان‌های مثبت، تجربه بهینه و

¹ - developmental

² - Self-Injurious Thoughts and Behaviors (SITB)

³ - suicidal ideation

⁴ - non-suicidal self-injury

⁵ - World Health Organization

⁶ - basic psychological needs

⁷ - parent – adolescent conflict

⁸ - thwarted belongingness

⁹ - perceived burdensomeness

¹⁰ - parenting styles

¹¹ - autonomy

¹² - competence

¹³ - relatedness

رشد سالم، پیامدهای آن است (دسی و همکاران، ۲۰۰۱). در واقع، کودکان رفتارهای اجتماعی خاص از قبیل نحوه‌ی رایۀ حمایت عاطفی و مدیریت تعارض را از والدینشان یاد می‌گیرند و در رابطه با دوستان خود به کار خواهند گرفت. بنابراین نوجوانان شیوه‌های اجتماعی والدینشان را که نمایانگر گرمی، حمایت از استقلال عمل، اصول و قواعد و یا درگیر بودن در خصومت، اجبار و تحقیر، طرد و بی‌نظمی است، تقلید می‌کنند و روابط رضایت‌بخش با دوستان و خانواده را ارتقا می‌بخشند (برایان و جی‌آر، ۲۰۰۲).

همزمانی نوجوانی فرزندان و میانسالی والدین منجر به اختلاف بین آن‌ها می‌شود (کولینز، لارسن، مورتنسن، لوبکر و فریرا، ۱۹۹۷) و این تعارض برای آن‌ها یکی از وخیم‌ترین تجارب خانوادگی است (برانج، ۲۰۱۸). نوجوانان و والدین با انتظارات خود در خصوص رفتار مناسب، به خصوص در مرحله‌ی انتقال قدرت، استقلال عمل و مسئولیت متفاوت هستند. نوجوانان برای استقلال عمل و کنترل کمتر از جانب والدین تلاش می‌کنند و والدین نیز به دلیل حس مسئولیت‌پذیری، برای کنترل بیشتر فرزندان تلاش می‌کنند (سمتانا، ۱۹۸۹). شرایط نامطلوب محیطی (بارو و مور، ۱۹۸۳) و ارضای ناکافی نیازهای روان‌شناختی بنیادین منجر به ناسازگاری و آسیب‌شناسی روانی (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ وانستینکیسته و رایان، ۲۰۱۳) و آسیب‌پذیری زیستی و روان‌شناختی^۱ می‌شود (رایان و دسی، ۲۰۱۷). این آسیب‌پذیری‌ها، احتمال بروز یک واکنش روانی نامطلوب (ایده‌پردازی خودکشی و جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا) در برابر فشار روانی را در فرد افزایش می‌دهد (اوکانر، ۲۰۱۱؛ اوکانر و کیرتلی، ۲۰۱۸).

بی و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهند سبک‌های والدگری استبدادی^۲ (کنترل زیاد، بی‌توجهی به انتخاب‌ها و تنبیه بدون چرایی) و غفلت‌انگارانه^۳ (توجه به نیازها، عدم کنترل، اصول و قواعد) در مقایسه با سبک سهل‌گیرانه^۴ (عدم پاسخگویی و مطالبه‌گری) بیشتر منجر به تعارضات والد - نوجوان می‌شود و بیشترین انسجام با والدین در سبک مقتدرانه^۵ (محبت و احترام به فردیت وی همراه با نظم و قوانین) است. تعارض‌های خانوادگی و مشکلات ارتباطی با اعضای خانواده به عنوان عوامل خطر برای خودکشی در نوجوانی شناخته شده‌اند (آرانگو و همکاران، ۲۰۱۸؛ کانر و ریوتر، ۲۰۰۶؛ هالستید، پاکو، هکر و سلینر، ۲۰۱۴). شواهد پژوهشی نیز نشان داد که تعارض و درگیری بین والد - نوجوان با ناسازگاری دوره‌ی نوجوانی مانند افسردگی، رفتارهای غیر قابل قبول، مشکلات رفتاری در مدرسه و کاهش عملکرد تحصیلی رابطه دارد. تعارض والد-نوجوان

¹ - biological and psychological

vulnerability

² - authoritarian

³ - neglectful

⁴ - permissive

⁵ - authoritative

همراه با روابط خصومت آمیز در خانواده منجر به احساس ناکامی شده و این احساس نگرش‌های ضد اجتماعی را بر می‌انگیزد که در نهایت باعث رفتارهای انحرافی (آسیب به خود) در نوجوان می‌گردد (فورهند و همکاران، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش سوله، کولوس و دی‌لثو (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که ادراک تعارض بین نوجوانان و والدین منجر به افزایش ایده‌پردازی خودکشی می‌شود. سبک‌های والدگری نامناسب و عدم ارضاء نیازهای روان‌شناختی بنیادین می‌تواند منجر به این شود که نوجوانان تعلقشان نسبت به خانواده از بین رود، احساس تنهایی کنند و همچنین احساس کنند که نه خانواده از آن‌ها حمایت می‌کند، نه آن‌ها می‌توانند از خانواده حمایت کنند (تعلق‌پذیری خنثی)، از خودشان متنفر می‌شوند و احساس می‌کنند وجودشان باری برای خانواده و جامعه است (ادراک باری بودن) (الیوت، کولانگلو و گلس، ۲۰۰۵؛ امری، هیت و راجرز، ۲۰۱۷؛ جوینر، ۲۰۰۵؛ ریبرو و جوینر، ۲۰۰۹؛ سیلوا و همکاران، ۲۰۱۴؛ ون‌آردن و همکاران، ۲۰۱۰). وقتی تمایل به فرار از این موقعیت‌ها عقیم می‌ماند، احساس به‌دام‌افتادگی^۱ به فرد دست می‌دهد و اگر امید چندانی برای نجات از این وضعیت وجود نداشته باشد (مثلاً تفکر مثبت درباره آینده وجود نداشته باشد)، احتمال افکار یا ایده خودکشی (راجاپا، گالاقر و میراندا، ۲۰۱۲؛ کلونسکی و مای، ۲۰۱۵؛ ویلیامز، کرانه، بارنهورف و دوگان، ۲۰۱۳) و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا افزایش می‌یابد (آدریان، زمان، اردلی، لیسو و سیم، ۲۰۱۱؛ جوینر، ۲۰۰۵).

نتایج پژوهش بارزلی و همکاران (۲۰۱۵) آشکار کرده است ادراک باری‌بودن و تعلق‌پذیری خنثی منجر به ایده‌پردازی خودکشی و افزایش ظرفیت مکتسب خودکشی^۲ (جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا) می‌شود. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد تعلق‌پذیری خنثی با ایده‌پردازی خودکشی و خودکشی کامل مرتبط است (سلبی و همکاران، ۲۰۱۰). اخیراً ادراک باری‌بودن به حوزه‌ای از تمرکز تحقیقاتی تبدیل شده است و شواهد قابل توجهی از ارتباط بین ادراک باری‌بودن و ایده‌پردازی خودکشی در نوجوانان پشتیبانی می‌کند (هیل، دلبوستو، بویترون و پتیت، ۲۰۱۸). رایان و جرمی (۲۰۱۳) نیز نشان داده‌اند که استقلال‌عمل، شایستگی و ارتباط پایین، در ابتدا باعث تعلق‌پذیری خنثی و ادراک باری‌بودن می‌شود و در نهایت منجر به ایده‌پردازی خودکشی می‌شود. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد نوجوانان ایرانی جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را بیشتر در نقش یک پیام اجتماعی مؤثر برای اعتراض و رهایی از تعارض‌های بین‌فردی ادراک می‌کنند. نوجوانان از این رفتار زخمی بدون درد با هدف غلبه بر تعارض‌های ارتباطی شدید، انتقال پیام اجتماعی تأثیرگذار یا رهایی از فشارهای موقعیتی و انتقال یک پیامی که بیشترین اثرگذاری را بر روی دیگران داشته باشد، استفاده می‌کنند. الگوی غالب این رفتار در

¹ - Entrapment

² - acquired capability for suicide

نوجوانان ایرانی شبیه رفتاری اعتراض‌گونه نسبت به افرادی است که هم منبع عشق و هم تنفر هستند. معنای اجتماعی این رفتار برای نوجوانان ایرانی مهم‌تر از معنای درون‌فردی است (خانی‌پور، برجعلی، گلزاری، فلسفی‌نژاد و حکیم‌شوشتری، ۱۳۹۲).

آنچه از پژوهش‌های فوق برآمده است، بیانگر آن است که وقتی والدین و نوجوانان در انتقال به دورهٔ میانسالی و نوجوانی در سه محور استقلال‌عمل، قدرت و مسئولیت‌پذیری به برابری نرسند، نوجوانان ابتدا با والدین دچار اختلاف می‌شوند ولی وقتی با تلاش فراوان این اختلافات حل نمی‌شود، احساس شکست و درماندگی می‌کنند و به تدریج از وابستگی آنان نسبت به والدین کم می‌شود و احساس می‌کنند که دیگر حمایت‌کننده ندارند و تنها هستند و چون از والدین خود مدیریت تعارض را یاد نگرفته‌اند با دوستان و جامعه هم به مشکل می‌خورند و روزبه‌روز تنهاتر و متنفرتر از خودشان می‌شوند و احساس می‌کنند سربار خانواده، دوستان و جامعه هستند. اینجاست که برای رهایی از این هیجانات منفی، نشخوارهای فکری و نشان دادن قدرت و اعتراض خود به سراغ جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و ایده‌پردازی برای خودکشی می‌روند اما وقتی این افکار و خودزنی‌ها تکرار می‌شود و تحمل درد جسمانی افزایش پیدا می‌کند امکان تلاش و اقدام به خودکشی افزایش می‌یابد. بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به این است که آیا تعارض والد - نوجوان (پدر و مادر)، ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی در رابطهٔ بین سبک‌های والدگری و نیازهای روان‌شناختی بنیادین با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی نقش واسطه‌ای دارند؟ بنابراین در یک جمع‌بندی پایانی می‌توان گفت که این پژوهش از چند حیث دارای اهمیت است. در درجهٔ اول در پژوهش‌های حوزهٔ خودکشی در نوجوانان ایرانی به طور همزمان به نقش نگرش، هیجان و رفتار در بروز آن توجه نشده است. بر همین اساس، این پژوهش به دنبال معرفی ترکیب مدل‌های مختلف نگرشی، هیجانی و رفتاری خودکشی به‌طور همزمان است تا از آن طریق جهت‌گیری‌های پژوهشی آینده در ایران تقویت شود. در درجهٔ بعدی، یافته‌های این پژوهش امکان گسترش راهکارهای کاربردی را برای پیشگیری از جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی که برای نوجوانان ایران دارای زیان‌های جدی هستند را از طریق سبک‌های والدگری و توجه به نیازهای روان‌شناختی بنیادین نوجوانان و به وسیلهٔ کاهش ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی و تعارض والد - نوجوان فراهم می‌کند. بالاخره آخرین ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر در این است که می‌توان براساس یافته‌های پژوهش حاضر، برخی جهت‌گیری‌های احتمالی نظری را برای نظریه‌پردازی در حوزهٔ جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در ایران مطرح و حوزه‌های نوین پژوهشی را برای پژوهشگران علاقه‌مند ارائه نمود.

روش

روش پژوهش براساس هدف کاربردی (با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش براساس مبانی نظری و ابزارهای موجود مورد بررسی قرار گرفته پژوهش از نوع کاربردی است) و بر حسب گردآوری اطلاعات و یافته‌ها از نوع توصیفی - همبستگی است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول گرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر برآورده شد. برای کنترل نرخ پاسخ‌دهی، تعداد ۴۷۱ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در بین دانش‌آموزان توزیع شد که با حذف پرسشنامه‌ها، تعداد ۵۱ پرسشنامه مخدوش بود و در نهایت تعداد ۴۲۰ پرسشنامه تحلیل شد. برای انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها ابتدا شهر تهران به پنج ناحیه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شد و در مرحله بعد، با استفاده از قرعه‌کشی از هر ناحیه ۲ منطقه انتخاب شد، از ناحیه شمال منطقه ۱ و ۲، جنوب منطقه ۱۷ و ۱۸، شرق منطقه ۴ و ۸، غرب منطقه ۵ و ۹ و مرکز منطقه ۶ و ۱۰ انتخاب شدند. سپس براساس جدول تصادفی از هر منطقه ۷ مدرسه دخترانه و ۷ مدرسه پسرانه انتخاب شد. پس از آن با مراجعه به مشاور و مدیر مدارس و توضیح پژوهش، افرادی که جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا داشتند را معرفی کردند که هر مدرسه بین ۳ الی ۴ نفر (از مقاطع دهم تا دوازدهم) بودند و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع شد. علاوه بر راهنمایی‌های لازم که در دستورالعمل پرسشنامه‌ها ارائه شد، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات فقط در راستای اهداف مطالعه بدون ذکر مشخصات هویتی مورد استفاده واقع خواهد شد. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک! این مقیاس توسط بک، کواس و ویزمن (۱۹۷۹) برای سنجش میزان مستعد بودن فرد به خودکشی ساخته شد. این مقیاس، برآوردی عددی از شدت ایده‌پردازی و امیال خودکشی‌گرایانه فراهم می‌کند و مشتمل بر ۱۹ ماده است که روی یک مقیاس سه درجه‌ای از کمترین شدت (۰) تا بیشترین شدت (۲) درجه‌بندی می‌شود. نمره کل فرد براساس جمع نمره‌ها محاسبه می‌شود که از صفر تا ۳۸ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده افکار

¹ - Beck Scale For Suicide Ideation (BSSI)

خودکشی بیشتر است. اعتبار و روایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف تایید شده است. در پژوهش داچر و دالاری (۲۰۰۴) آلفای کرونباخ این مقیاس بر روی ۱۰۸ بیمار افسرده در فرانسه ۰/۸۹ و روایی همزمان آن با مقیاس ارزیابی خطر خودکشی ۰/۶۹ و مقیاس درجه‌بندی افسردگی ۰/۶ گزارش شد (داچر و دالاری، ۲۰۰۴). کلایم، لوهمن، موبل و براهler (۲۰۱۷) ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس را بر روی ۲۴۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه لایپزیک آلمان بررسی کردند. روایی واگرا و همگرایی این ابزار با پرسشنامه رضایت از زندگی ۰/۲۷ و پرسشنامه ناامیدی ۰/۳۶ و همسانی درونی ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به دست آمد (کلایم و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران نیز انیسی، فتحی آشتیانی، سلیمی و احمدی نوده (۱۳۸۴) اعتبار مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵ و با روش دو نیمه‌سازی ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. همچنین در مطالعه حسنی و میرآقایی (۱۳۹۱) روایی همزمان مقیاس با زیرمقیاس افسردگی پرسشنامه سلامت عمومی ۰/۷۶ گزارش شده است. در این پژوهش اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

سیاهه آسیب به خود! این سیاهه توسط سانسون، ویدرمن و سانسون در سال ۱۹۹۸ ساخته شده و ۲۲ ماده دارد که رفتارهای خودآسیب‌رسانی مستقیم و غیرمستقیم را بررسی می‌کند. این ابزار رفتارهای خودآسیب‌رسانی مستقیم (یعنی بریدن، سوزاندن، اقدام به خودکشی و ...) که توام با آسیب فوری به بافت هستند را به همراه رفتارهای خودآسیب‌رسانی غیرمستقیم (یعنی سوءمصرف داروهای غیرقانونی، رانندگی پرخطر، رفتارهای جنسی پرخطر و ...) می‌سنجد (سانسون و همکاران، ۱۹۹۸). این سیاهه به منظور استفاده در جمعیت‌های بالینی (سانسون، گیج و ویدرمن، ۱۹۹۸) و جمعیت‌های غیربالینی (سانسون و همکاران، ۱۹۹۸) طراحی شده است. نمره‌گذاری آن به صورت بلی (۱) و خیر (۰) است. برای به دست آوردن نمره کلی این سیاهه فقط پاسخ‌های تایید شده یعنی تعداد پاسخ‌های بله با هم جمع شود و پاسخ‌های خیر در نمره‌گذاری نقشی ندارد. بیشترین نمره در این سیاهه ۲۲ است. نمره بالا نشان‌دهنده شدت و فراوانی بیشتر رفتارهای خودآسیب‌رسان است. افرادی که نمره ۵ یا بیشتر در این سیاهه می‌گیرند، به احتمال ۰/۸۵ درصد نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را دارند (سانسون و همکاران، ۱۹۹۸). مطالعه روایی این سیاهه با نقطه برش ۵ یا بیشتر، به طبقه‌بندی دقیق ۰/۸۴ از پاسخ‌دهندگان که براساس مصاحبه تشخیصی اختلال مرزی، واجد این اختلال به شمار می‌رفتند، در طبقه اختلال شخصیت مرزی منجر شد (سانسون و ویدرمن، ۱۹۹۸). همسانی درونی سیاهه با آلفای کرونباخ برای کل ماده‌ها ۰/۸۰ به دست آمده است (سانسون، سلپوم و

¹ - Self-Harm Inventory (SHI)

سونگر، ۲۰۱۸). روایی همگرایی سیاهه با پرسشنامه دارو، الکل و جرح خویشتن ۰/۶۶ و پرسشنامه تشخیصی شخصیت ۰/۸۳ به دست آمد (سانسون و ویدرمن، ۲۰۱۵). در پژوهش طاهباز حسین‌زاده، قربانی و نبوی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۴ به دست آمده است. در این پژوهش ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی ۰/۸۵ بود. در این پژوهش اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه بافت اجتماعی والدین^۱ (سبک‌های والدگری): این پرسشنامه توسط اسکینر، اسنایدر و جانسون (۲۰۰۵) ساخته شد، مشتمل بر شش زیرمقیاس (سبک حمایت از استقلال عمل، اجبار گرمی، طرد، ساختارمندی و بی‌نظمی) است. هر ماده، شیوه برخورد والدین را در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً صحیح (۴) می‌سنجد. نسخه نوجوانان هر زیرمقیاس ۴ ماده در مجموع (۲۴ ماده) و نسخه والدین هر زیرمقیاس ۵ ماده در مجموع (۳۰ ماده) دارد (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵؛ تیلور و فرانسیس، ۲۰۱۷ نقل از کیجر، نیلسون و آسلوند، ۲۰۲۰). در پژوهش اسکینر و همکاران (۲۰۰۵) آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های حمایت از استقلال عمل (۰/۹۸)، کنترل (۰/۹۸)، گرمی (۰/۹۸)، طرد (۰/۹۷)، ساختارمندی (۰/۹۵) و بی‌نظمی (۰/۹۳) به دست آمده که بیانگر اعتبار مقیاس مذکور است (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین اسکینر و همکاران، روایی مقیاس را با تحلیل عاملی به دست آورده‌اند که نتایج حاکی از وجود شش عامل (گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی) بود و کلیه شاخص‌های نیکویی برازش بالاتر از ۰/۹۰ بود (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهش ساداتی‌فیروزآبادی و ملتفت (۱۳۹۶) ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی برای تعیین روایی نیز موید این است که ساختار پرسشنامه برازش قابل قبولی با ماده‌ها دارد و کلیه شاخص‌های نیکویی برازش (۰/۹۸) و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (۰/۹۶)، مدل را تایید می‌کنند. در این پژوهش ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی ۰/۹۰ بود. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی و به طور کلی ۰/۸۵، ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۸۹ و ۰/۹۱ به دست آمد.

¹ - Parents As Social Context Questionnaire (PASCQ)

مقیاس کلی ارضای نیازهای بنیادین^۱: این مقیاس ۲۱ ماده‌ای توسط گنیه (۲۰۰۳) ساخته شده و دارای سه زیرمقیاس است. زیرمقیاس‌های استقلال عمل با ماده‌های ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، شایستگی با ماده‌های ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ و ارتباط با ماده‌های ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸ و ۲۱ در طیف ۷ درجه‌ای لیکرتی از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۷) نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس ماده‌های ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود (جانستون و فیینی، ۲۰۱۰). در پژوهش‌های مختلف همسانی درونی استقلال عمل ۰/۶۱ تا ۰/۸۱، شایستگی ۰/۶۰ تا ۰/۸۶ و ارتباط ۰/۶۱ تا ۰/۹۰ و همبستگی بین زیرمقیاس‌های استقلال عمل ۰/۴۶ تا ۰/۷۲، شایستگی ۰/۳۳ تا ۰/۷۹ و ارتباط ۰/۲۷ تا ۰/۸۰ بود (کونروی و کوتسورث، ۲۰۰۷؛ گینه، ۲۰۰۳؛ میر، امستروم، هارستویت، بولس و بیورس، ۲۰۰۷؛ وانستینکیسته، لنز، سونس و لویکس، ۲۰۰۶؛ وی، فیلیپ، شافر، یونگ و زاکالیک، ۲۰۰۵). در پژوهش زاهدی‌تجریشی، بشارت، پوربهلول و لاریجانی (۱۳۹۰) همسانی درونی در زمان اول استقلال عمل، شایستگی و ارتباط ۰/۶۹، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ و در زمان دوم ۰/۷۸، ۰/۷۳ و ۰/۸۱ بود و روایی محتوایی آن براساس نظر پنج تن از روان‌شناسان نشان داد ضریب توافق کندال استقلال عمل، شایستگی و ارتباط ۰/۶۶ بود. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ استقلال عمل، شایستگی و ارتباط ۰/۷۷، ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه رفتار متعارض^۲: این پرسشنامه توسط رابین و فاستر (۱۹۸۹) ساخته شده است. نسخه اصلی این ابزار که دارای ۷۵ ماده بود، ادراک نوجوان از میزان تعارض و رابطه منفی با والدینش را مورد ارزیابی قرار داده است. در این پژوهش از نسخه کوتاه این پرسشنامه استفاده شد که شامل ۲۰ عبارت است و میزان تعارض نوجوان با والدینش را می‌سنجد. این پرسشنامه دو فرم جداگانه، برای مادر و پدر دارد. نمره‌گذاری آن به صورت صحیح (۱) و غلط (۰) است. ماده‌های ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۴، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل فرد براساس جمع نمره‌ها محاسبه می‌شود که از ۰ تا ۲۰ است و نمره بالاتر در این پرسشنامه، نشانگر تعارض بیشتر نوجوان با پدر و مادر است. در شکل بلند این پرسشنامه همسانی درونی برای نوجوان و والدین ۰/۹۴ و ۰/۹۵ گزارش شد. پرسشنامه فرم کوتاه یک نمره به دست می‌دهد که همبستگی ۰/۹۶ را با نمرات پرسشنامه فرم بلند دارد (رابین و فاستر، ۱۹۸۹). در پژوهش رابین و فاستر (۱۹۸۹) ضریب اعتبار بازآزمایی پرسشنامه والدین از ۰/۵۷ تا ۰/۸۲ و پرسشنامه نوجوان از ۰/۳۷ تا ۰/۸۴ به دست آمد. نتیجه پژوهش فاستر و رابین (۱۹۸۹) نشان داده است که

^۱ - Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S)

^۲ - Conflict Behavior Questionnaire (CBQ)

پرسشنامه رفتار متعارض می‌تواند خانواده‌های دارای مشکلات بالینی را از خانواده‌های سالم جدا کند که خود‌گویی‌ای روایی افتراقی این ابزار است. در پژوهش حداد و شچتمن (۲۰۱۹) همسانی درونی تعارض نوجوان با پدر ۰/۸۷ و با مادر ۰/۸۵ بود. پژوهش شریعتی و امامی‌پور (۱۳۹۴) نشان داد حمایت و گرمی مادر و پدر به طور غیرمستقیم و با واسطه‌گری تعارض مادر و پدر با نوجوان با شیوه‌های ابراز خشم رابطه دارد که حاکی از روایی این ابزار است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل ماده‌های تعارض با مادر ۰/۹۱ و تعارض با پدر ۰/۸۹ بود. در پژوهش خسروجردی، پورشهریار و حیدری (۱۳۹۸) همسانی درونی تعارض نوجوان با پدر ۰/۹۴ و با مادر ۰/۹۳ بود. در این پژوهش اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای تعارض با پدر و مادر و به طور کلی ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه نیازهای بین‌فردی! این پرسشنامه توسط ون‌آردن، کوکرویکز و وایت و جوینر (۲۰۱۲) ساخته شده است و یک ابزار ۱۵ ماده‌ای از تعلق‌پذیری خنثی (۹ ماده، میانگین نمرات از ۹ تا ۶۳) و ادراک باری بودن (۶ ماده، میانگین نمرات از ۶ تا ۴۲) است. این پرسشنامه دارای چندین نسخه (۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۵ ماده‌ای) است که طبق گزارش (هیل و همکاران، ۲۰۱۵) نسخه‌های ۱۰ و ۱۵ ماده‌ای بهترین میزان روایی درونی و تناسب با مدل تحلیل عاملی اکتشافی را دارند. نسخه ۱۵ ماده‌ای به صورت خودگزارش‌دهی از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که بهترین گزینه ممکن را متناسب با باورهایشان در مورد حد ارتباط با دیگران (تعلق‌پذیری) و حدی که فکر می‌کنند که سربار دیگران هستند (ادراک باری بودن) را در یک مقیاس ۷ لیکرتی کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۷) مشخص می‌کنند (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). نمره بالاتر در این مقیاس به معنای ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی، بیشتر است (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). که این هم نشانگر باور فرد بر این است که او در تعامل‌های اجتماعی منشأ مشکلات و آسیب‌ها برای اطرافیان خود است (هاوکینز و همکاران، ۲۰۱۴). در پژوهش هیل و همکاران (۲۰۱۵) آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمده است و نتایج تحلیل عاملی تاییدی برای تعیین روایی نیز موید این است که ساختار پرسشنامه برازش قابل قبولی با ماده‌ها (کلیه شاخص‌های نیکویی برازش بالاتر از ۰/۹۵) دارد و مدل را تایید می‌کند. در پژوهش میتچل و همکاران (۲۰۱۹)، آلفای کرونباخ تعلق‌پذیری خنثی، ۰/۹۱ و ادراک باری بودن، ۰/۹۴ گزارش شده است. پژوهش کیانی‌چلمردی، رشید، هنرمند و تموک (۱۳۹۷) نشان داده است که مدل نظریه بین‌فردی خودکشی در جمعیت ایرانی برازش مناسبی (بالاتر از ۰/۹۵) دارد و می‌تواند خودکشی را

¹ - Interpersonal Needs Questionnaire (INQ)

پیش‌بینی کند. در مطالعه رشید، کیانی، خرم‌دل، قربانی و صنوبر (۱۳۹۶) نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۴ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی ۰/۹۰ بود. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی و به طور کلی ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌ها

این پژوهش با مشارکت ۴۲۰ نفر (۱۸۸ مرد و ۲۳۲ زن) انجام شد. از لحاظ رشته تحصیلی، ۱۵۳ نفر ریاضی، ۱۰۱ نفر تجربی و ۱۶۶ نفر انسانی، چندمین فرزند خانواده، ۱۲۱ نفر اول، ۹۹ نفر دوم، ۱۴ نفر سوم، ۲۷ نفر چهارم و ۱۵۹ نفر فرزند آخر، میزان تحصیلات پدر و مادر به ترتیب، زیردیپلم ۱۹۷ و ۷۴ نفر، دیپلم ۱۲۲ و ۲۱۲ نفر، کارشناسی ۹ و ۳۸ نفر، کارشناسی ارشد ۸۶ و ۹۱ نفر و دکتری ۶ و ۵ نفر بودند. میانگین، انحراف‌استاندارد، کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جداول ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	کجی	کشیدگی
گرمی	۱/۹۸	۰/۸۴	۰/۵۸	-۰/۶۹
طرد	۲/۰۶	۰/۸۵	۰/۴۵	-۰/۸۰
ساختارمندی	۲/۰۹	۰/۸۳	۰/۳۱	-۱/۰۷
بی‌نظمی	۲/۱۴	۰/۸۷	۰/۲۶	-۱/۲۰
حمایت از استقلال عمل	۲/۱۷	۰/۸۹	۰/۴۷	-۰/۸۵
کنترل	۲/۱۶	۰/۹۰	۰/۳۶	-۱/۰۱
استقلال عمل	۲/۶۶	۱/۱۷	۰/۲۵	-۱/۲۸
شایستگی	۲/۵۷	۱/۰۹	۰/۲۹	-۱/۳۱
ارتباط	۲/۴۳	۱/۱۱	۰/۴۴	-۱/۱۳
تعلق‌پذیری خنثی	۵/۱۲	۱/۲۶	-۰/۷۶	-۰/۴۵
ادراک باری بودن	۵/۵۰	۱/۵۳	-۰/۵۱	-۱/۲۷
تعارض والد- نوجوان (مادر)	۱۶/۸۹	۲/۵۳	-۰/۹۲	۲/۹۹
تعارض والد - نوجوان (پدر)	۱۶/۸۶	۲/۵۱	-۰/۹۸	۲/۹۶
جرح‌خوب‌شدن غیر خودکشی‌گرا	۸/۷۳	۲/۷۳	-۱/۰۳	-۰/۰۳
ایده‌پردازی خودکشی	۸/۷۲	۲/۸۹	-۰/۳۲	-۰/۵۹

شایستگی	ارتباط	تعلق‌پذیری خنثی	ادراک باری بودن	تعارض والد- نوجوان (مادر)	تعارض والد - نوجوان (پدر)	جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا	ایده‌پردازی خودکشی
۰/۸۸*	۰/۱۸*	۰/۶۶*	۰/۱۷*	۰/۵۸*	۰/۵۷*	۰/۴۷*	۰/۱۶*
۰/۵۴*	۰/۵۲*	۰/۵۳*	۰/۶۲*	۰/۴۰*	۰/۳۷*	۰/۳۲*	۰/۴۰*
۰/۵۶*	۰/۵۷*	۰/۵۴*	۰/۶۴*	۰/۴۴*	۰/۴۲*	۰/۴۶*	۰/۴۵*
۰/۵۱*	۰/۶۳*	۰/۷۵*	۰/۶۶*	۰/۴۱*	۰/۳۳*	۰/۴۱*	۰/۳۹*
۰/۵۳*	۰/۵۷*	۰/۵۲*	۰/۶۳*	۰/۳۶*	۰/۳۵*	۰/۴۱*	۰/۴۱*
۰/۵۳*	۰/۵۴*	۰/۶۹*	۰/۶۰*	۰/۳۹*	۰/۳۶*	۰/۴۱*	۰/۴۲*
۰/۳۸*	۰/۴۳*	۰/۳۵*	۰/۴۷*	۰/۳۱*	۰/۳۱*	۰/۳۱*	۰/۴۰*

*p<۰/۰۰۱

برای واری فرسینه نقش واسطه‌ای تعارض والد - نوجوان، ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی در رابطه بین سبک‌های والدگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی یک مدل مفهومی تدوین و با روش معادلات ساختاری آزمون شد.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

RMR	NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X2/df	شاخص‌های برازندگی
۰/۲۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۱۰	۵/۳۲	مدل اولیه
۰/۰۷	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۰۵	۲/۱۳	مدل نهایی

در مدل نهایی، مقدار $\chi^2/df = 2/13$ ، برای نشان دادن برازش مدل، مطابق نظر تاباکنیک و فیدل (۱۳۹۵)، کمتر از ۳ بیان شده است. مولایک و همکاران (۱۹۸۹) بیان کردند که شاخص AGFI با مقدار بزرگتر از ۰/۹ می‌تواند بیانگر نیکویی برازش و یا تناسب مدل باشند. شاخص برازندگی افزایشی CFI شاخصی است که هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، برازش مدل بهتر است (بولن، ۱۹۹۰ نقل از نوروزی، روشن‌چسلی و فراهانی، ۱۴۰۰). براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) نقل از زارع‌گاریزی، ابراهیمی‌مقدم و ابوالمعالی‌حسینی، (۱۳۹۹) اگر مقدار شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد برازندگی مدل بسیار عالی است. مدل نهایی با توجه به شاخص‌های اصلاحی (MI) پیشنهادی، از طریق کواریانس خطا بین خرده مقیاس‌های نیازهای روان‌شناختی بنیادین و تعارض والد - نوجوان (پدر و مادر) اصلاح شده است. شاخص‌های برازندگی مدل نهایی از برازش مناسبی برخوردار است. (برای برازش مقتصد از شاخص‌های RMSEA و χ^2/df استفاده شده است).

جدول ۴. خلاصه یافته‌های مدل معادلات ساختاری

مسیرها	تخمین استاندارد نشده	خطای استاندارد	مقدار بحرانی	تخمین استاندارد شده
سبک‌های والدگری ← تعلق‌پذیری خنثی	۰/۸۴**	۰/۲۹	-۲/۸۵**	-۰/۳۴
سبک‌های والدگری ← ادراک باری بودن	۰/۷۵**	۰/۳۲	-۲/۳۳**	-۰/۲۵
سبک‌های والدگری ← تعارض والد - نوجوان	۰/۹۲**	۰/۳۵	۲/۶۶**	-۰/۳۰
نیازهای روان‌شناختی بنیادین ← تعلق‌پذیری خنثی	۱/۵۹*	۰/۱۶	-۹/۹۷*	-۱/۱۴
نیازهای روان‌شناختی بنیادین ← ادراک باری بودن	۲/۰۵*	۰/۱۸	-۱۱/۱۱*	-۱/۱۹
نیازهای روان‌شناختی بنیادین ← تعارض والد-نوجوان	۲/۱۷*	۰/۲۳	-۹/۳۸*	-۱/۲۶
تعلق‌پذیری خنثی ← جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا	۰/۵۶**	۰/۲۳	۲/۴۲**	۰/۲۶
تعلق‌پذیری خنثی ← ایده‌پردازی خودکشی	۱/۴۱*	۰/۳۳	۴/۳۰*	۰/۶۲
ادراک باری بودن ← جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا	۱/۶۸	۰/۸۹	۱/۸۹	۰/۹۵
ادراک باری بودن ← ایده‌پردازی خودکشی	۵/۱۴**	۲/۰۷	۲/۴۷**	۲/۷۳
تعارض والد - نوجوان ← جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا	۳/۰۶*	۰/۹۳	۳/۳۰*	۱/۷۶
تعارض والد - نوجوان ← ایده‌پردازی خودکشی	۷/۱۴*	۲/۱۳	۳/۳۶*	۳/۸۶

* $P < 0.01$

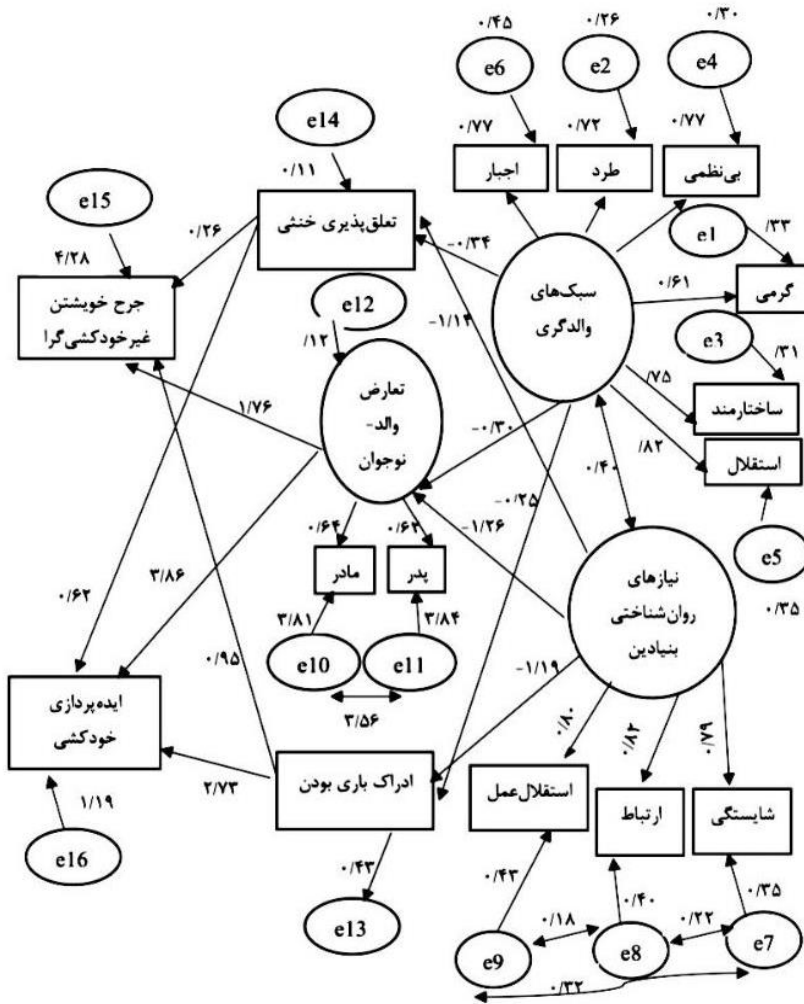
** $P < 0.05$

جدول ۵. ضرایب استاندارد اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم

مسیرها	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	وارianس تبیین شده
بر تعلق‌پذیری خنثی از سبک‌های والدگری	۰/۸۴**	۰/۳۴**		۰/۷۳
	۰/۸۴**	۰/۳۴**		
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	۰/۸۴**	۰/۳۴**	۰/۳۴**	۰/۹۵
	۰/۸۴**	۰/۳۴**	۰/۳۴**	
بر ادراک باری بودن از سبک‌های والدگری	۰/۷۵**	۰/۲۵**		۰/۹۵
	۰/۷۵**	۰/۲۵**		
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	۰/۷۵**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۱/۰۰۵
	۰/۷۵**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	
بر تعارض والد-نوجوان از سبک‌های والدگری	۰/۹۲**	۰/۳۰**		۱/۰۰۵
	۰/۹۲**	۰/۳۰**		
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	۰/۹۲**	۰/۳۰**	۰/۳۰**	۰/۴۳
	۰/۹۲**	۰/۳۰**	۰/۳۰**	
بر جرح‌خویشتن غیر خودکشی گرا از تعلق‌پذیری خنثی	۰/۵۶**	۰/۲۶**		۰/۴۳
	۰/۵۶**	۰/۲۶**		
ادراک باری بودن	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۴۳
	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	
تعارض والد-نوجوان	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۴۳
	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	
سبک‌های والدگری	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۴۳
	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۴۳
	۰/۵۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	
بر ایده‌پردازی خودکشی از تعلق‌پذیری خنثی	۱/۴۱**	۰/۶۲**		۰/۸۶
	۱/۴۱**	۰/۶۲**		
ادراک باری بودن	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۰/۸۶
	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	
تعارض والد-نوجوان	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۰/۸۶
	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	
سبک‌های والدگری	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۰/۸۶
	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۰/۸۶
	۱/۴۱**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	

*P<۰/۰۵

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که صفر در فواصل اطمینان یاد شده قرار نمی‌گیرد، بنابراین تمامی روابط غیرمستقیم معنی‌دار می‌باشند. فاصله اطمینان در این روابط ۰/۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۵۰۰۰ تعیین شد. این یافته‌ها نشان دادند سبک‌های والدگری و نیازهای روان‌شناختی بنیادین با واسطه تعلق‌پذیری خنثی، ادراک باری بودن و تعارض والد - نوجوان (پدر و مادر) بر جرح‌خویشتن غیر خودکشی گرا و ایده‌پردازی خودکشی اثر غیرمستقیم معنادار دارند.



شکل ۱. مدل برازش یافته پژوهش

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین نقش میانجی‌گری تعارض والد - نوجوان، تعلق‌پذیری خنثی و ادراک باری بودن، در رابطه بین بافت اجتماعی والدین (سبک‌های والدگری) و نیازهای روان‌شناختی بنیادین با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی بود. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیگر (اوکانر، ۲۰۱۱؛ اوکانر و کیرتلی، ۲۰۱۸؛ امری، هیت و راجرز، ۲۰۱۷؛ بارزلی و همکاران، ۲۰۱۵؛ توکر و وینکاته، ۲۰۱۴؛ جوینر، ۲۰۰۵؛ رایان و جرمی، ۲۰۱۳) همسو است.

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت این ارتباط از لحاظ نظری از دو منظر قابل تبیین است. در وهله اول، یکی از مدل‌های جامع جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا عوامل خطر عمومی و اختصاصی و ارتباط آن‌ها با هم در ایجاد و تداوم جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را توصیف کرده است. در این مدل، سه دسته از عوامل خطر شامل عوامل خطر دور، آسیب‌پذیری درون فردی و بین‌فردی و عوامل خطر اختصاصی در شروع و تداوم جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا مشخص شده‌اند. عوامل خطر دور عبارتند از بالا بودن سطح برانگیختگی فیزیولوژیکی، سابقه آزار و اذیت در دوران کودکی و پرورش یافتن در خانواده‌های متخاصم و انتقادگر. این عوامل خطر دور باعث ایجاد آسیب‌پذیری‌های درون‌فردی و ارتباطی می‌شوند به گونه‌ای که آن‌ها هیجان‌ها و شناخت‌واره‌های منفی و شدیدتری را تجربه می‌کنند و توانایی حل مساله در موقعیت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران در آن‌ها مختل می‌شوند. این نقایص باعث می‌شود در موقعیت‌های پرسترس نتوانند واکنش‌های سازگاران‌ای به موقعیت نشان دهند. اما آنچه باعث می‌شود برخی از نوجوانان برای غلبه بر این نوع آسیب‌پذیری‌ها از جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا استفاده کنند، وجود یک‌سری از عوامل خطر و فرایندهای اختصاصی است. این فرایندها عبارتند از مواجهه با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در همسالان و رسانه، میل به تنبیه خویش، تاثیر جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در آزاد کردن اپیویدها (مواد ضد درد طبیعی بدن)، میل به متاثر کردن دیگران و تشکیل تداعی‌ها و همانندسازی ناهشیار بین جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و تصور از خویشتن در ذهن (ناک، ۲۰۰۸). در واقع می‌توان گفت وقتی افراد از جانب والدین طرد می‌شوند، شدیداً تحت کنترل هستند و در سرنوشت خود اختیاری ندارند و منفعل هستند و همچنین نیازهای شایستگی و ارتباط و استقلال عملشان ارضا نمی‌شود، در این شرایط، توانایی مقابله با چالش و بحران‌های دوره نوجوانی را ندارند و برای اینکه بتوانند نیازهای بنیادین خود را ارضا کنند و از شیوه‌های نامناسب والدگری والدینشان رهایی یابند با آن‌ها درگیر شده، احساس می‌کنند تنها شدند، کسی آن‌ها را درک نمی‌کند، به این باور می‌رسند که دیگر حامی ندارند، احساس می‌کنند باری روی دوش خانواده و جامعه هستند و در واقع مردن آن‌ها بهتر از ماندنشان است و طبق نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا چون از والدین شیوه مناسب حل مشکل را یاد نگرفته‌اند، از همسالان، رسانه و واکنش‌های والدین یاد می‌گیرند برای رهایی از این شرایط و هیجانات منفی شروع به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند.

در وهله بعدی، براساس نظریه سه گام ایده‌پردازی خودکشی، ترکیبی از درد (معمولاً روان‌شناختی) و ناامیدی منجر به ایده‌پردازی خودکشی می‌شود. یعنی وقتی زندگی ناسازگار، ناپسند و دردناک می‌شود افراد به‌نوبه خود میل به اجتناب از زندگی را آغاز می‌کنند (گام اول)،

وقتی درد فراتر از وابستگی بین فردی و درون فردی می‌رود، ایده‌پردازی خودکشی از حالت عادی و غیرفعال به افکار قوی و فعال تبدیل می‌شود (گام دوم) و ایده‌های خودکشی فعال و قوی به اقداماتی می‌رسند که ظرفیت مکتسب خودکشی (آستانه بالا برای درد یا ترس کم از مرگ) نام دارد (گام سوم) و در نهایت، دسترسی به ابزارهای خودکشی (مثل جستجوی اینترنتی در مورد مرگ و داروهای بدون نسخه و ...) می‌توانند این ظرفیت را افزایش دهند (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). در واقع می‌توان گفت در گام اول نوجوانان درگیر برابری قدرت با والدین خود می‌شوند و می‌خواهند ابتکار عمل را در دست بگیرند ولی والدین با سبک‌های نامناسب والدگری اجازه این کار را به آن‌ها نمی‌دهند، آن‌ها احساس می‌کنند هیچ قدرتی برای تعیین سرنوشت خود ندارند و نمی‌توانند شایستگی خود را نشان دهند و ارتباطات موثری داشته باشند. در نتیجه در این شرایط ناکام و ناامید می‌شوند و میلشان نسبت به زندگی کمتر می‌شود و شروع به ایده‌پردازی خودکشی می‌کنند و در گام دوم در این شرایط وابستگیشان نسبت به والدین کم می‌شود و احساس می‌کنند به کسی تعلق ندارند و وجودشان باراضافی برای خانواده می‌باشد. بنابراین، وقتی کسانی را ندارند که دوست داشته باشند و دوستشان داشته باشند و نمی‌توانند کاری برای خودشان و خانواده بکنند، در این گام، ایده‌های گام اول جدیت بیشتری به خود می‌گیرد و در واقع تقریباً شک آن‌ها به یقین تبدیل می‌شود و در گام سوم برای رهایی از این شرایط شروع به آسیب زدن به خود می‌کنند و بعد از اینکه ترس آن‌ها از مرگ کمتر می‌شود شروع به تلاش برای خودکشی و در نهایت اقدام به خودکشی می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین تعارض والد-نوجوان با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته‌های (خانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ داهل، ۲۰۱۸؛ فورهند و همکاران، ۱۹۹۸؛ نلسون، ۲۰۱۷) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که براساس مدل اجتماعی، جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا روشی برای ابراز آشفتگی یا کمک خواهی است که باعث می‌شود اطرافیان و مراقبین نوجوان به او توجه کنند و یا به فرد این قدرت را می‌دهد که از یک موقعیت ستم، تعارض و آزار رهایی یابد. براساس این مدل، جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را می‌توان به عنوان روشی برای ابراز قدرت و توانایی در نظر گرفت که نوجوان به وسیله آن ممکن است هم از خود در برابر همسالان زورگو محافظت کند و هم باعث شود دیگران، او را به عنوان فردی قوی بنگرند (ناک، ۲۰۰۸). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان از جانب والدین و همسالان طرد می‌شوند و از آن‌ها توجه و محبتی دریافت نمی‌کنند تمام تلاش خود را می‌کنند تا با این روش توجهات را به سمت خود بکشند و مورد محبت و پذیرش آنان قرار بگیرند و یا وقتی که از کنترل و محدودیت‌ها و عدم آزادی و شایستگی

و ارتباطات رنج می‌برند و نمی‌توانند با شیوه‌های مناسب این رنجی که دارند می‌کشند را بیان کنند شروع به این کار می‌کنند تا هم به خانواده اعتراضشان را بیان کنند و هم خودشان را در گروه همسالان قوی نشان دهند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین تعارض والد - نوجوان با ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته‌های (داهل، ۲۰۱۸؛ سوله و همکاران، ۲۰۱۵؛ نلسون، ۲۰۱۷) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که براساس نظریه به دام افتادگی ویلیامز (۱۹۹۷) رفتار خودکشی‌گرا پاسخی به موقعیت‌های فشارزا است که احساس شکست را برمی‌انگیزد و اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته می‌شود. عوامل روان‌شناختی مانند اعتقاد به اینکه فرد نمی‌تواند به طور موثر مشکلات را حل کند به افزایش درماندگی و ناامیدی منجر می‌شود. این احساسات ناامیدانه ممکن است این قضاوت را در افراد برانگیزد که این موقعیت‌ها اجتناب‌ناپذیرند و به ایده‌پردازی برای خودکشی و رفتارهای خودکشی‌گرا منجر شوند (راجا و همکاران، ۲۰۱۲). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان اعتقاد پیدا می‌کنند که نمی‌توانند از قدرت نابرابر بین خود و والدین (نپذیرفتن انتقادهای نوجوانان و عدم توجه به نظراتشان)، کنترل همه جانبه، انتظارات غیرواقعی و پیشداوری والدینشان و ... رهایی پیدا کنند دچار درماندگی آموخته شده می‌شوند در نتیجه برای خودکشی ایده‌پردازی می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین تعلق‌پذیری خنثی و ادراک باری بودن با ایده‌پردازی خودکشی و جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته‌های (بارزلی و همکاران، ۲۰۱۵؛ سلبی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هیل و همکاران، ۲۰۱۸) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که براساس نظریه روان‌شناختی بین‌فردی جوینر (۲۰۰۵) که ادراک باری بودن و تعلق‌پذیری خنثی منجر به ایده‌پردازی خودکشی می‌شوند ولی به‌تنهایی نمی‌توانند باعث رفتار خودکشی (تلاش و اقدام) شوند، بلکه فرد به ظرفیت مکتسب خودکشی (تحمل زیاد در برابر درد و ترس کم از مرگ) نیاز دارد که در واقع همان فراوانی و شدت جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا است که سبب ایجاد این ظرفیت در فرد می‌گردد (جوینر، ۲۰۰۵) ولی چون نوجوانی یک دوره آسیب‌پذیر و آشفته است که همین دو عامل باعث واکنش هیجانی و خودآسیبی نوجوان می‌شود (آدریان و همکاران، ۲۰۱۱). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان به جایی می‌رسند که وابستگی‌های خانوادگی در آن‌ها از بین می‌رود و در واقع چیزی برای از دست دادن ندارند و خودشان را سربار خانواده می‌بینند، تمایل پیدا می‌کنند که خودشان و خانواده را از وجودشان راحت کنند، بنابراین به خودکشی فکر می‌کنند و به خود آسیب می‌زنند و زمانی که

با این آسیب‌ها آستانه تحمل درد در آن‌ها افزایش پیدا کرد شروع به تلاش و اقدام به خودکشی می‌کنند.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهاد کرد در راستای کاهش افکار و رفتارهای جرح خویشتن، فرآیند ویژه‌ای برای لحاظ نمودن سبک‌های والدگری و ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین در نظام آموزشی و فرهنگی مدنظر قرار گرفته شود و نوجوانان از حیث نگرش به والدین و ارضای نیازهای بنیادین در کنار سایر عوامل عمومی و اختصاصی بررسی شوند و کارگاه‌های آموزشی در باب سبک‌های والدگری و ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین برای والدین و نوجوانان ارائه شود زیرا افراد با ارضای کافی این نیازها و نگرش مثبت به والدگری والدین، در برابر عوامل فشارزای محیطی کمتر دچار هیجان منفی می‌شوند، در نتیجه میزان افکار و رفتارهای جرح خویشتن در آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین اتخاذ تدابیری برای کاهش تعلق‌پذیری خنثی و ادراک باری بودن نوجوانان، به عنوان برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت و با استفاده از مفاهیم و شاخص‌های ذکر شده برای تعلق‌پذیری خنثی و ادراک باری بودن، می‌تواند نقش موثری در کاهش رفتارهای خودکشی داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش حل تعارض هم به والدین و هم به نوجوانان در برنامه‌های آموزشی مدارس و رسانه‌ها قرار گیرد.

از میان محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه مورد پژوهش، روش خودسنجی و استفاده از پرسشنامه و عدم کنترل متغیرهایی چون ویژگی‌های شخصیتی، باورهای مذهبی و سرمایه‌های روان‌شناختی اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پرسشنامه‌ها براساس جمعیت و فرهنگ ایران تدوین و هنجاریابی و به علاوه از مصاحبه و مشاهده نیز همراه با پرسشنامه استفاده و با انجام پژوهش کیفی عوامل رفتارهای جرح خویشتن دقیق‌تر ارزیابی و تحلیل شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تحلیل‌های گسترده‌ای بر مبنای متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی و جز آن انجام شود تا پژوهشگران بتوانند مبانی نظری حاصل از این پژوهش را ملاک قرار دهند و براساس آن، فرضیه‌های متعددی را مطرح و آزمون کنند.

منابع

- انیسی، جعفر، فتحی‌آشتیانی، علی، سلیمی، سیدحسین، و احمدی، خدابخش. (۱۳۸۴). ارزیابی اعتبار و روایی مقیاس افکار خودکشی بک (BSSI) در سربازان. *مجله طب نظامی*، ۷(۱): ۳۷ - ۳۳. {پیوند}
- حسینی، جعفر، و میرآقایی، علی محمد. م. (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی. *روانشناسی معاصر*، ۷(۱): ۷۲ - ۶۱. {پیوند}

خانی‌پور، حمید، برجعلی، احمد، گلزاری، محمود، فلسفی‌نژاد، محمدرضا، و حکیم‌شوشتری، میترا. (۱۳۹۲). خودآزاری در نوجوانان بزهکار و نوجوانان با سابقه اختلالات خلقی: یک پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۲(۳): ۲۰۷ - ۱۹۵. {پیوند}

خسروجردی، زهرا. پورشهریار، حسین. حیدری، محمود. (۱۳۹۸). پیش‌بینی توانمندی منش نوجوانان و دل‌بستگی به والدین و همسالان براساس تعارض با پدر و مادر. خانواده‌پژوهی، ۱۵(۵۹): ۳۴۷ - ۳۶۰. {پیوند}

زارع‌گاریزی، معصومه، ابراهیمی‌مقدم، حسین، و ابوالمعالی‌الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایز‌یافتگی خود. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۵۳): ۷۶-۵۵. {پیوند}

ساداتی‌فیروزآبادی، سمیه، و ملتفت، قوام. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی پایه در ارتباط بین سبک‌های والدگری و سلامت روان دانش‌آموزان تیزهوش، فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، ۵(۳): ۲۱۲ - ۲۰۳. {پیوند}

شریعتی، سحر، و امامی‌پور، سوزان. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای تعارض والدین - نوجوان در رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و ابعاد ابراز خشم. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳(۲۵): ۲۲ - ۸. {پیوند}

کیانی، احمدرضا، فاتحی‌زاده، مریم، و قاسمی، نظام‌الدین. (۱۳۹۲). بررسی کیفی عوامل خانوادگی دخیل در اقدام به خودکشی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱(۴): ۲۵۱ - ۲۴۱. {پیوند}

کیانی‌چلمردی، احمدرضا، رشید، سجاد، هنرمند، پژمان، و تموک، ف. (۱۳۹۷). بررسی ساختاری مدل نظریه بین‌فردی خودکشی در دانشجویان. دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ۱(۱): ۶۰ - ۵۱. {پیوند}

طاهبازحسین‌زاده، سحر، قربانی، نیما، و نبوی، سیدمسعود. (۱۳۹۰). مقایسه‌گرایی شخصیتی خودتخریبی و خودشناسی انسجامی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروز و افراد سالم. فصلنامه روانشناسی معاصر، ۶(۲): ۳۴-۴. {پیوند}

نوروزی، زهرا، روشن‌چسلی، رسول، و فراهانی، حجت‌اله. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری استفاده آسیب‌زای مادران از اینترنت و مشکلات رفتاری کودکان با میانجی‌گری تعامل مادر-کودک. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۵(۵۷): ۱۳۹-۱۱۷. {پیوند}

هویت، دنیس، و کرامر، دانکن. (۲۰۰۵). روش‌های آماری در روان‌شناسی و سایر علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشاشریفی و همکاران (۱۳۸۸)، چاپ اول، تهران: سخن. {پیوند}

Adrian, M., Zeman, J., Erdley, C., Lisa, L., & Sim, L. (2011). Emotional dysregulation and interpersonal difficulties as risk factors for non suicidal self-injury in adolescent girls. *Journal of Abnormal Children Psychology*, 39(3): 389-400. [link]

Arango, A., Cole-Lewis, Y., Lindsay, R., Yeguez, C. E., Clark, M., & King, C. (2018). The protective role of connectedness on depression and suicidal

- ideation among bully victimized youth. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 48(5):728-739. [[link](#)]
- Armstrong, T. D., & Costello, E. J. (2002). Community studies on adolescent substance use, abuse, or dependence and psychiatric comorbidity. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70(6):1224-1239. [[link](#)]
- Barrow, J. C., & Moore, C. A. (1983). Group interventions with perfectionist thinking. *Personnel & Guidance Journal*, 61(10): 612-615. [[link](#)]
- Barzilay, S., Feldman, D., Snir, A., Carli, V., Hoven, C.W., Wasserman, C., Sarchiapone, M., & Wasserman, D. (2015). The interpersonal theory of suicide and adolescent suicidal behavior. *Journal of Affective Disorders*, 183, 68-74. [[link](#)]
- Beck, A.T., Kovacs, M., & Weissman, A. (1979). Assessment of suicidal intention: the scale for suicide ideation. *J Consult Clin Psych*, 47(2):343-352. [[link](#)]
- Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W., and Deater-Deckard, K. (2018). Parenting styles and parent-adolescent relationships: the mediating roles of behavioral autonomy and parental authority. *Front. Psychol*, 9:2187. [[link](#)]
- Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*, 2(3): 171-176. [[link](#)]
- Brown, R. C., & Plener, P. L. (2017). Non-suicidal self-injury in adolescence. *Current Psychiatry Reports*, 19:20. [[link](#)]
- Bryant, C. M., & Jr. G. H. E. (2002). Parental Behavior and The Quality of Adolescent Friendships: A social-contextual perspective. *Journal of Marriage and Family*, 64(3): 676-689. [[link](#)]
- CDC. (2019). Youth risk behavior surveillance system (YRBSS). CDC. [[link](#)]
- Chen, B., Vansteenkiste, M., Beyers, W., Boone, L., Deci, E. L., Duriez, B., and Verstuyf, J. (2015). Basic psychological need satisfaction, need frustration, and need strength across four cultures. *Motivation and Emotion*, 39(2): 216 – 236. [[link](#)]
- Collins, W. A., Laursen, B., Mortensen, N., Luebker, C., & Ferreira, M. (1997). Conflict processes and transitions in parent and peer relationships: implications for autonomy and regulation. *Journal of Adolescent Research*, 12(2): 178-198. [[link](#)]
- Connor, J. J., & Rueter, M. A. (2006). Parent-child relationships as systems of support or risk for adolescent suicidality. *Journal of Family Psychology*, 20 (1): 143-155. [[link](#)]
- Conroy, D. E., & Coatsworth, J. D. (2007). Assessing Autonomy-Supportive Coaching Strategies in Youth Sport. *Psychology of Sport and Exercise*, 8(5): 671-684. [[link](#)]

- Crosby, R. A., Santelli, J. S., & DiClemente, R.J. (2009). Adolescents at Risk. In R. DiClemente, J. Santelli & R. Crosby (Eds.) Adolescent health: understanding and preventing risk behaviors (pp.303-335). SanFrancisco, CA: Jossey-Bass. [[link](#)]
- Dahl, R. E., Allen, N. B., Wilbrecht, L., & Suleiman, A. B. (2018). Importance of investing in adolescence from a developmental science perspective. *Nature*, 554(7693): 441–450. [[link](#)]
- De Burs, D., Fried, E.I., Wetherall, K., Cleare, S., O Connor, D.B., Ferguson, E., O Carroll, R.E., & O Connor, R.C. (2019). Exploring the Psychology of Suicidal Ideation: A theory driven network analysis. *Behaviour Research and Therapy*, 120:103419. [[link](#)]
- Deci, E., Vallerand, R., Pelletier L., & Ryan, R. (1991). Motivation and education: the self-determination perspective. *Educ Psychol*, 26(3,4): 325-346. [[link](#)]
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The” what” and” why” of goal pursuits: human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4): 227–268. [[link](#)]
- Deci, E.L., Ryan, R.M., Gagne, M., Leone, D.R., Usunov, J., & Kornazheva, B.P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: a cross-cultural study of self-determination. *Soc Pers Soc Psychol*, 27(8): 930-942. [[link](#)]
- Ducher, J. L., & Dalery, J. (2004). Concurrent validation of suicidal risk assessment scale with the beck’s suicidal ideation scale. *Encephale*, 30(3): 249-254. [[link](#)]
- Elliott, G.C., Colangelo, M.F., Gelles, R.J. (2005). Mattering and suicide ideation: establishing and elaborating a relationship. *Social Psychology Quarterly*, 68(3): 223-238. [[link](#)]
- Emery, A.A., Heath, N.L., & Rogers, M. (2017). Parents’ role in early adolescent self-injury: an application of self-determination theory. *School Psychology Quarterly*, 32 (2): 199–211. [[link](#)]
- Forehand, R., Brody, G., Slotkin, J., Fauber, R., McCombs, A., & Long, N. (1988). Young adolescents and maternal depression: assessment, interrelations, and family predictors. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56 (3): 422-426. [[link](#)]
- Gagne, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and Emotion*, 27(3): 199-223. [[link](#)]
- Haddad, L.T., & Shechtman, Z. (2019). Movies as a therapeutic technique in school-based counseling groups to reduce parent–adolescent conflict. *Journal of Counseling and Development*, 97(3): 306- 316. [[link](#)]

- Halstead, R. O., Pavkov, T. W., Hecker, L. L., & Seliner, M. M. (2014). Family Dynamics and Self-Injury Behaviors: A Correlation Analysis. *Journal of Marital and Family Therapy*, 40(2): 246-259. [[link](#)]
- Hawkins, K. A., Hames, J. L., Ribeiro, J. D., Silva, C., Joiner, T. E., & Cogle, J.R. (2014). An examination of the relationship between anger and suicide. *Psychiatric Research*, 50, 59-65. [[link](#)]
- Hill, R. M., del Busto, C. T., Buitron, V., & Pettit, J. W. (2018). Depressive symptoms and perceived burdensomeness mediate the association between anxiety and suicidal ideation in adolescents. *Archives of Suicide Research*, 22(4): 555-568. [[link](#)]
- Hill, R. M., Rey, Y., Marin, C. E., Sharp, C., Green, K. L., & Pettit, J. W. (2015). Evaluating the interpersonal needs questionnaire: comparison of the reliability, factor structure, and predictive Validity across Five Versions. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 45(3): 302- 314. [[link](#)]
- Hollingsworth, D. W. (2014). "What About Your Friends?" Social Support Moderates Perceived Burdensomeness and Suicidal Ideation Relationship. MSc Thesis, Oklahoma State University. [[link](#)]
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general scale. *Contemporary Educational Psychology*, 35(4): 280-296. [[link](#)]
- Joiner, T.E. (2005). Why people die by suicide. Cambridge, MA: Harvard University Press. [[link](#)]
- Keijser, R. Nilsson, W. K., & Åslund, C. (2020) Measuring parental dimensions: A psychometric evaluation of the parents as social context questionnaire, Swedish Version. *Cogent Psychology*, 7: 1757856. [[link](#)]
- Kliem, S., Lohmann, A., Möble, T., & Brähler, E. (2017). German beck scale for suicide ideation (BSS): psychometric properties from a representative population survey. *BMC psychiatry*, 17 (1): 389. [[link](#)]
- Klonsky, E. D., & May, A. M. (2015). The three-step theory (3ST): a new theory of suicide rooted in the "ideation-to-action" framework. *Int J Cogn Ther*, 8(2): 114-129. [[link](#)]
- Lykes, V., & Kemmelmeier, M. (2014). What predicts loneliness? cultural difference between individualistic and collectivistic societies in europe. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 45(3): 468-490. [[link](#)]
- Ma, J., Batterham, P. J., Calear, A. L., & Han, J. (2016). A systematic review of the predictions of the interpersonal-psychological theory of suicidal behavior. *Clinical Psychology Review*, 46, 34-45. [[link](#)]
- McKinney, C., and Renk, K. (2011). A multivariate model of parent-adolescent relationship variables in early adolescence. *Child Psychiat Hum De*, 42(4): 442-462. [[link](#)]

- Meyer, B., Enstorm, M. K., Harstveit, M., Bowles, D. P., & Beevers, C. G. (2007). Happiness and despair on the catwalk: need satisfaction, wellbeing, and personality adjustment among fashion models. *The Journal of Positive Psychology*, 2(1): 2-17. [[link](#)]
- Mitchell, S.M., Brown, S.L., Roush, J.F., Tucker, R.P., Cukrowicz, k. C., & Joiner, T.E. (2019). The interpersonal needs questionnaire: statistical considerations for improved clinical application. *Assessment*, 27 (3): 621-637. [[link](#)]
- Nock, M., Borges, G., & Ono, Y. (Eds.). (2012). *Suicide: global perspectives from the WHO world mental health surveys*. Cambridge University Press. [[link](#)]
- Nock, M.K., Borges, G., Bromet, E. J., Cha, C. B., Kessler, R. C., & Lee, S. (2008). Suicide and suicidal behavior. *Epidemiologic Reviews*, 30(1): 133–154. [[link](#)]
- Nelson, B. W., Byrne, M. L., Sheeber, L., & Allen, N. B. (2017). Does context matter? a multi-method assessment of affect in adolescent depression across multiple affective interaction contexts. *Clinical Psychological Science*, 5(2): 239-258. [[link](#)]
- O'Connor, R. C. (2011). The integrated motivational-volitional model of suicidal behavior [Editorial]. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Preventio*,32(6): 295–298. [[link](#)]
- O'Connor, R. C., & Kirtley, O. J. (2018). The integrated motivational–volitional model of suicidal behaviour. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 373(1754). [[link](#)]
- Opperman, K., Czyz, E. K., Gipson, P. Y., & King, C. A. (2015). Connectedness and perceived burdensomeness among adolescents at elevated suicide risk: an examination of the interpersonal theory of suicidal behavior. *Archives of suicide research: official journal of the International Academy for Suicide Research*, 19(3): 385–400. [[link](#)]
- Orri, M., Scardera, S., Perret, L. C., Bolanis, D., Temcheff, C., Séguin, J. R., Boivin, M., Turecki, G., Tremblay, R. E., Côté, S. M., & Geoffroy, M.-C. (2020). Mental health problems and risk of suicidal ideation and attempts in adolescents. *Pediatrics*, 146(1). [[link](#)]
- Rajappa, K., Gallagher, M., & Miranda, R. (2012). Emotion dysregulation and vulnerability to suicidal ideation and attempts. *Journal of Cognitive Therapy and Research*. 36: 833-839. [[link](#)]
- Rashid, S., Kiani, A. R., Khorramdel, K., Gholami, F., & Senobar, L. (2016). The relationship between interpersonal psychological theory of suicide constructs (loneliness, perceived social support, thwarted belongingness and burdensomeness) and suicidal behavior among iranian students. *Health Education & Health Promotion*, 4(2): 35-48. [[link](#)]

- Ribeiro, J. D., & Joiner, T. E. (2009). The interpersonal-psychological theory of suicidal behavior: current status and future directions. *Journal of clinical psychology*, 65(12): 1291-1299. [[link](#)]
- Robin, A., & Foster, S. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict: a behavioral family systems approach*. Guilford. New York.
- Ryan, M. H. & Jeremy, W. P. (2013). The role of autonomy needs in suicidal ideation: integrating the interpersonal-psychological theory of suicide and self-determination theory, *Archives of Suicide Research*, 17(3): 288-301. [[link](#)]
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Press.
- Sansone, R. A., Gage, M. D., & Wiederman, M. W. (1998). Investigation of borderline personality disorder among non-psychotic, involuntarily hospitalized clients. *Journal of Mental Health Counseling*, 20:133-140. [[link](#)]
- Sansone, R. A., Wiederman, M. W., Sansone, L. A., & Touchet, B. (1998). An investigation of primary care patients receiving extended treatment with selective serotonin reuptake inhibitors. *The American journal of managed care*, 4(10): 1397-1402. [[link](#)]
- Sansone, R.A. & Wiederman, M.W. (2015) The self-harm inventory: a meta-analysis of its relationship to the personality diagnostic questionnaire-4 as a measure of borderline personality disorder. *International Journal of Psychiatry in Clinical Practice*, 19 (4): 290-293. [[link](#)]
- Sansone, R. A., Sellbom, M., & Songer, D. A. (2018). Borderline personality disorder and mental health care utilization: the role of self-harm. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 9(2): 188. [[link](#)]
- Selby, E. A., Anestis, M. D., Bender, T. W. D., Ribeiro, J., Nock, M. K., Rudd, M. D., Bryan, C. J., Lim, I. C., Baker, M. T., Gutierrez, P. M., & Joiner, T. E. (2010). Overcoming the fear of lethal injury: evaluating suicidal behavior in the military through the lens of the interpersonal-psychological theory of suicide. *Clinical Psychology Review*, 30(3): 298-307. [[link](#)]
- Silva, M. N., Marques, M. M., & Teixeira, P. J. (2014). Testing theory in practice: the example of self-determination theory-based interventions. *European Health Psychologist*, 16(5): 171-180. [[link](#)]
- Skinner, E.A., Johnson, S., & Snyder, T. (2005). Six dimensions of parenting: a motivational model. *Pare: sci prac*, 5(2): 175-225. [[link](#)]
- Smetana, J. G. (1995). Parenting styles and conceptions of parental authority during adolescence. *Child Dev*, 66(2): 299-316. [[link](#)]
- Smetana, J. G. (1989). Adolescents and parents reasoning about actual family conflict. *Child Dev*, 60(5): 1052-1067. [[link](#)]

- Soole, R., Kølves, K., & De Leo, D. (2015). Suicide in children: a systematic review. *Archives of Suicide Research*, 19(3): 285-304. [[link](#)]
- Sorkhabi, N., & Middaugh, E. (2014). How variations in parents' use of confrontive and coercive control relate to variations in parent-adolescent conflict, adolescent disclosure, and parental knowledge: Adolescents' perspective. *Journal of Child and Family Studies*, 23(7): 1227-1241. [[link](#)].
- Vansteenkiste, M., & Ryan, R. M. (2013). On psychological growth and vulnerability: Basic psychological need satisfaction and need frustration as a unifying principle. *Journal of Psychotherapy Integration*, 23(3): 263-280. [[link](#)]
- Van Orden, K. A., Lynam, M. E., Hollar, D., & Joiner, T. E., Jr. (2006). Perceived Burdensomeness as an Indicator of Suicidal Symptoms. *Cognitive Therapy and Research*, 30(4): 457-467. [[link](#)]
- Van Orden, K. A., Witte, T. K., Cukrowicz, K. C., Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Joiner, T. E., Jr. (2010). The interpersonal theory of suicide. *Psychological review*, 117(2): 575-600. [[link](#)]
- Van Orden, K. A., Cukrowicz, K. C., Witte, T. K., & Joiner, T. E., Jr. (2012). Thwarted belongingness and perceived burdensomeness: Construct validity and psychometric properties of the Interpersonal Needs Questionnaire. *Psychological Assessment*, 24(1): 197-215. [[link](#)]
- Vansteenkiste, M., Lens, W., Soenens, B., & Luyckx, K. (2006). Autonomy and relatedness among Chinese sojourners and applicants: Conflictual or independent predictors of well-being and adjustment? *Motivation and Emotion*, 30(4): 273-282. [[link](#)]
- Wei, M., Shaffer, P. A., Young, S. K., & Zakalik, R. A. (2005). Adult Attachment, Shame, Depression, and Loneliness: The Mediation Role of Basic Psychological Needs Satisfaction. *Journal of Counseling Psychology*, 52(4): 591-601. [[link](#)]
- Williams, J.M.G., Crane, C., Barnhofer, T., & Duggan, D. (2013). *Psychology and suicidal behaviour: elaborating the entrapment model*. Oxford: Oxford University Press. [[link](#)]
- Zahedi tajrishi, K., Besharat, M.A., Pourbohlool, S., & Larijani, R. (2011). Psychometric properties of a farsi version of the basic needs satisfaction in general scale in a sample of iranian population. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 30:221 - 225. [[link](#)]